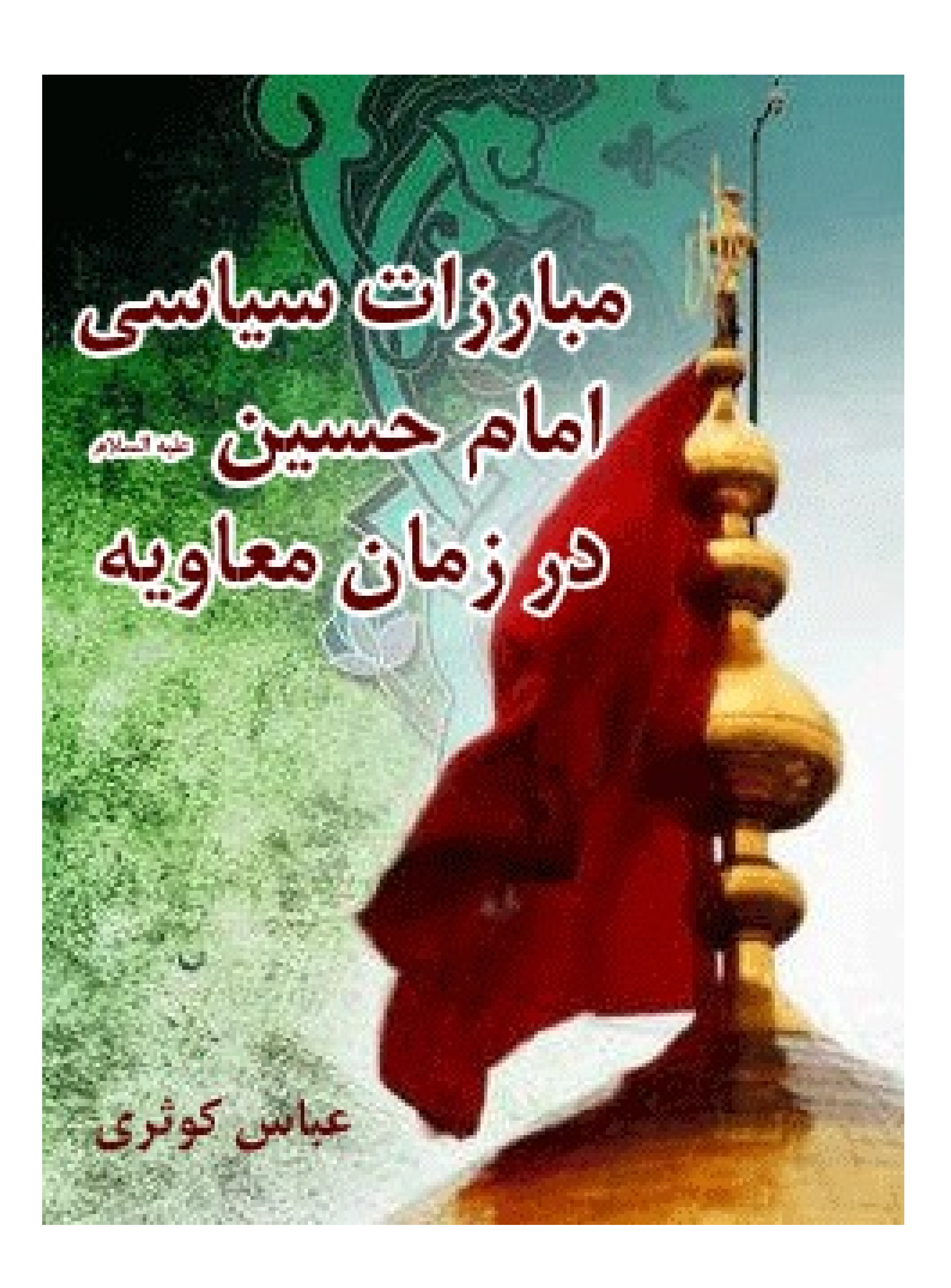

مبارزات سیاسی
امام حسین علیه السلام
در زمان معاویه
عباس کوثری


بسم الله الرحمن الرحیم

مبارزات سیاسی امام حسین (علیه السلام) در زمان معاویه

نویسنده:

عباس کوثری

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مبارزات سیاسی امام حسین علیه السلام در زمان معاویه

مشخصات کتاب

عنوان : مبارزات سیاسی امام حسین (ع) در زمان معاویه

پدیدآورندگان : امام سوم حسین بن علی(ع)(توصیف گر)

عباس کوثری(پدیدآور)

ناشر : عباس کوثری

نوع : متن

جنس : مقاله

الکترونیکی

زبان : فارسی

توصیفگر :تاریخ اسلام

سیره امامان

سفیانیان

تاریخ موضوعی (اسلام)

مقدمه

امام حسن (ع) در اثر توطئه ای شوم که از سوی معاویه تدارک دیده شد به شهادت رسید و جلوه های شکوهمند امامت در دیگر یادگار فاطمه و علی علیهماالسلام متجلی گشت. استبداد اموی جهت عدم امامت راستین و یاران دلباخته آن عزم را دو چندان کرد و با تهدید و ارعاب و ترفندهای عوامفریبانه به نابودی مکتب و راه امام علی و فرزندانش علیهم السلام همت گماشت. بدین جهت، رهبری و هدایت امت شرایط دشوار و طاقت فرسایی یافت. دوران دهساله امامت ابی عبدالله (ع) بیانگر مواضع و برنامه های آن حضرت در مقابل این تحولات است که پیامها و درسهای ارزشمندی را فرا راه عاشقانش قرار می دهد و از سوی دیگر، سیره اخلاقی تربیتی آن بزرگوار را از ذخائر ارزشمند جهان اسلام و از بایسته های پژوهشی است که بخش مهمی از آن ظهور و درخشش همین دوران مبارک است. نوشته حاضر نگاهی است اجمالی به یکی از مواضع و ابعاد زندگی سیاسی آن حضرت با عنوان مبارزات امام حسین (ع) در دوران معاویه که محورهای زیر بیانگر جوانب آن می باشد.

اعلام منشور ولایت در سرزمین منا

شیعیان امام علی (ع) روزهای سختی را در حکومت معاویه سپری می کردند. تعداد زیادی از آنان توسط معاویه به شهادت رسیده و بسیاری دیگر فراری یا منزوی و در اضطراب و نگرانی به سر می بردند. در منابر و اجتماعات اهانت به امام علی (ع) به صورت رسمی رواج یافته بود و دلهای عاشقان و دوستداران امیرمومنان را سخت جریحه دار کرده بود. اکنون دیدگان به سوی امام حسین (ع) دوخته شده و منتظر رهنمودها و دستورهای آن حضرت است تا این سکوت مرگبار را بشکند و راهی

به سوی افقهای حقیقت بگشایـد. امام حسـین (ع) همراه عبدالله ابن عباس و عبدالله ابن جعفر حج می گذارد. در سـرزمین منی فرصتی دست می دهـد تـا امـام (ع) از اصـحاب پیامبر و شـیعیان و نیک مردان انصار دعوت کنـد و حقایق را برای آنان باز گو کند. بیش از هفتصد تن گرد امام اجتماع می کنند که دویست نفر آنان از اصحاب پیامبرند. حضرت بپا خاست و پس از حمد و ثنای الهی، فرمود: «این تجاوز گر (معاویه) بر ما و شـیعیان ما سـختیها و ناملایماتی روا داشـته است که خود دانسته و دیده اید یا به شـما رسـیده است. می خواهم از شـما درباره حقیقتی جویا شوم. اگر راست گفتم، آن را تصـدیق کنیـد و در صورتی که خلاف گفتم، مرا تکـذیب کنیـد. سـخنم را بشـنوید و گفتـارم را بنویسـید. سـپس هنگامی که به سوی شـهرها و قبایل خویش باز گشتیـد، هر آن کس را که مورد وثوق و اطمینان دانستیـد به آنچه از حقوق ما می دانیـد، دعوت کنید. من از آن می ترسـم که حق ولایت از بین رود و مغلوب گردد، اگرچه خـدا نور خویش را به رغم خواست کافران، غالب خواهـد گردانیـد.»سـپس آنچه از قرآن و سـنت پیامبر(ص) درباره پـدر و مادرش و اهل بیت (علیهم السـلام) بود، برای آنان قرائت کرد. همگی گفتنـد: «اللهم نعم قد سـمعنا و شـهدنا»؛ همین طور است ما خود شـنیدیم و افراد مورد اعتماد برای ما آنچه فرمودید، نقل کردند.سـپس حضرت فرمود: «شما را به خدا سوگند می دهم آیا می دانید که پیامبر (ص) علی (ع) را در غدیر خم به امامت منصوب کرد و مردم را به ولایت او فرا خواند و دستور

داد که این پیام را حاضـران به غایبان برساننـد؟» همگی گفتند: «بلی ما شـنیدیم.» [۱] .بـدین ترتیب، امام (ع) در آن اجتماع بر حقیقت امامت تاکیـد ورزیده و رسالت و مسوولیت خواص را برای ترویج مکتب اهل بیت (علیهم السـلام) و مبارزه با اسـتبداد اموی ترسـیم کرد. سـخنرانی حضـرت در مسـجد پیـامبر (ص) نیز در همین راسـتا است. مرحوم مجلسـی می نویسـد: به معـاویه گفتنـد: دیـدگان به سـوی حسـین (ع) است. کـاری کن که او منـبر رود و خطـابه ایراد کنـد؛ از چشم مردم خواهـد افتـاد؛ زیرا توانایی خطابه نـدارد. معاویه گفت: این را درباره برادرش حسن ابن علی تجربه کردم، به رسوایی ما منجر شد.سـرانجام اصـرار زیاد مردم باعث شـد از امام حسـین (ع) بخواهد به منبر رود و با مردم سـخن بگوید. حضـرت سـخنرانی خود را با حمد و ثنای الهی آغـاز کرد. در این حال مردی گفت: کیست که خطابه می کنـد؟ حضـرت فرمود: ماییم حزب پیروز الهی و عترت رسول خـدا که نزدیکترین فرد به او هسـتند و اهل بیت پاکیزه او و یکی از دو چیز گرانبها که عـدل قرآن قرار داده شده، همان کتاب که بـاطلی از پیش رو و پشت سـر او راه نمی یابـد، آگـاه به تاویـل قرآن و روشـنگر حقـایق آن هستیم. مـا را اطاعت کنیـد که اطاعت ما واجب است؛ زیرا اطاعت ما مقرون به اطاعت خـدا و رسول او گشـته است. خداونـد متعال می فرماید: «اطاعت کنید خـدا و رسول او و صاحب فرمان از خودتان را و هرگاه در چیزی نزاع داشتیـد، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید. اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید، این

برای شـما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است.» [۲] .و فرموده: «هنگامی که خبری از پیروزی یا شـکست به آنها برسـد، آن را شایع می سازنـد در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان که قـدرت تشـخیص کافی دارنـد. بازگردانند از ریشه های مسایل آگـاه خواهنـد شـد و اگر فضل و رحمت خـدا بر شـما نبود، جز عـده کمی همگی از شـیطان پیروی می کردیـد.» [۳] .شما را برحذر می دارم از این که به ندای شـیطان گوش فرادهید؛ زیرا شـیطان دشـمن آشـکار شـما است. و در آن صورت از دوستان شیطان خواهید شد. دوسـتانی که شیطان به آنان می گوید: امروز هیچ کس از مردم بر شما پیروز نمی گردد و من همسایه شما هسـتم اما هنگامی که دو گروه (کافران و مومنان مورد حمایت فرشتگان در جنگ بدر) در برابر یکدیگر قرار گرفتند، به عقب برگشت و گفت: من از شـما بیزارم. [۴] که در این صورت «مثل کافران جنگ بـدر» مورد ضـربه شمشـیرها و نیزه ها «از سوی ملائکه» قرار خواهیـد گرفت و در آن هنگام ایمان فردی که از پیش ایمان نیاورده است یا کار نیکی را انجام نداده است نفعی به او نخواهـد رسانـد.در این موقع، معاویه گفت: «حسـبک یا اباعبـدالله فقـد ابلغت»؛ کافی است ای اباعبدالله، حق سـخن را ادا کردی. [۵] .

اعتراض به ولایت عهدی یزید

معاویه تصـمیم به ولایتعهدی یزید گرفت. راهی حج شد؛ به مدینه آمد و از مردم برای او بیعت گرفت. سپس منبر رفت و یزید را این چنین سـتود: یزید دانا به سـنت و قرآن شناس است و حلم و بردباری اش بر سنگهای سخت افزون است. امام حسین (ع) برخاست و پس

از ستایش خدا و درود بر پیامبر (ص) فرمود: هرگز سخنوری هر چند سخن به تفصیل گوید نتوانسته است حق اندکی از صفات ممتاز پیامبر (ص) را ادا کند. ای معاویه! از واقعیت دور مانده ای، سپیده صبح تاریکی شب را رسوا ساخته و نور خورشید پرتو روشنایی چراغ را بی فروغ ساخته است. در برتری برخی سخن به زیاده گفتی و در گزینش عده ای حق دیگران را ضایع کردی و از بیان فضیلت صاحبان آن بخل ورزیدی و بیش از حد ستم روا داشتی. نشد که اندکی از فضیلت صاحبان حق را بپردازی و در همان حال شیطان بهره فراوان و نصیب کامل خویش را برنگیرد. دانستم آنچه درباره یزید از سیاستمداری و کمالش گفتی، می خواهی مردم را با این سخنان به اشتباه اندازی. گمان می کنی انسانی ناشناس و دور از چشم مردم را تعریف می کنی و از آنچه فقط خودت به آن دست یافته ای، خبر می دهی. «فخذ لیزید فیما اخذ به من استقرائه الکلاب المتهادشته عند التحادش و الحمام السبق لا ترابهن و القیناث ذوات المعازف و ضروب الملاهی تجده ناصرا»؛ و همین کارهایی که یزید کرده، بگیر؛ همین که سگان را به حال پارس و گلاویزی می خواند و کبوتران بازی را به سوی همقطارانش و نیز کنیزکان آوازه خوان و انواع بیهوده گری و هوس بازی هایش کافی است که تو را در وصف خویش یاری کرده باشد.سپس فرمود: قصدی را که برای ولایتعهدی یزید داری فروگذار و رها کن، چه نیازی داری که افزون برهمه کارهای بدی که کرده ای با این گناه نیز خدا را ملاقات کنی. [۶] .

افشای جنایات معاویه

جهت دیگری که بیانگر مبارزات

آن حضرت است نامه ای است که در آن جنایات معاویه و ستمگری هایش شمارش کرده، حکومت معاویه را فتنه ای سهمگین بر امت قلمداد می کند. قسمتی از آن چنین است: مگر تو نبودی که حجر و یاران عابد و خاشع حق را کشتی، همانان که از بدعت ها نگران و بی تاب می گشتند و امر به معروف و نهی از منکرمی کردند؟ آنان را پس از تعهدات محکم و تضمین های مطمئن به طرز ظالمانه و تجاوزکارانه کشتی، در برابر خدا گستاخی ورزیدی و عهد و پیمان الهی را سبک شمردی. مگر تو قاتل عمرو ابن الحمق نیستی، همان که از زیادی عبادت صورت و پیشانی اش پینه بسته بود؟ او را پس از تعهدات و تضمین هایی کشتی که اگر به حفاظت شدگان در کوهساران داده می شد، از قله های آن فرود می آمدند. مگر تو نیستی که زیاد را در دوره اسلام به خویشتن منسوب گردانیدی و او را پسر ابی سفیان قلمداد کردی، با این که رسول خدا (ص) حکم کرده که فرزند متعلق به بستر(پدر و مادر) است و پاداش مرد زناکار را سنگ است.آنگاه او را بر مسلمانان مسلط ساختی تا آنان را بکشد و دست و پایشان را قطع کند و بر تنه درخت به دارشان آویزد؟ پناه بر خدا، ای معاویه! گویا تو از این امت نیستی و ایشان از تو نیستند. مگر تو آن خضرمی را نکشتی که ابن زیاد درباره او به تو گزارش داده بود دارای دین علی (ع) است؛ و دین علی (ع) همان دینی است که پسر عمویش (ص) بر آن بود؛ همان دینی که تو به نامش به این مقام نشسته ای؛ و اگر

دین او نبود، بالاترین افتخارات تو و اجدادت کوچهای تابستانی و زمستانی آنان بود و خدا به واسطه ما برای این که نعمتی گران ببخشد، سختیهای آن را از دوشتان برداشت. به من گفته ای که این امت را به فتنه مینداز. من فتنه ای سهمگین تر از حکومتت برامت نمی یابم؛ و نیز گفته ای: به مصلحت خویش و دین و امت محمد (ص) بیندیش. به خدا قسم، کاری بهتر از جهاد علیه تو نمی شناسم. بنابراین، هر گاه به انجام آن اقدام کنم، مایه تقرب به پروردگار من است و در صورتی که به انجامش نپردازم، از خدا برای حفظ دینم آمرزش می طلبم و از او توفیق انجام آنچه او دوست می دارد و می پسندد، خواستارم.سپس حضرت در ادامه می فرماید: بدان که خدا را دیوانی است که هر کار کوچک و بزرگ به حساب می کشد و شمارش می کند. بدان که خدا فراموش نمی کند که تو به مجرد گمان افراد را می کشی و به محض وارد آمدن اتهامی دستگیر می سازی و پسری را به حکومت نشانده ای که باده می نوشد و سگبازی می کند، تو را می بینم که خویشتن به گناه و عذاب در انداخته ای و دینت را تباه کرده ای و رعیت را ضایع ساخته ای. [۷] .

یادآوری رسالت ها

استبداد اموی جامعه اسلامی را دچار فسردگی و رکود کرده، زمینه تجاوز و ستمگریهای بیشتر آنان گشته بود. هشدار به جامعه و یادآوری رسالتها و مسوولیتهای سنگین آنان از ضرورت های فوری آن بود؛ و چه فردی شایسته تر از ابی عبدالله الحسین (ع) و چه موقعیتی والاتر از حج.بر این اساس، حضرت در اجتماع شکوهمند مردم در سرزمین منی به سخنرانی پرداخت و وظیفه امر به معروف و

نهی از منکر را به مردم و دانشـمندان یـادآور شـد. حضـرت در آغـاز درباره اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر فرمود: ای مردم! از آنچه خـدا بـدان اولیای خود را پنـد داده، پنـد گیریـد ماننـد بد گفتن او از دانشـمندان یهود، آنجا که می فرماید: چرا دانشـمندان نصـاری و علمـای یهود آنـان را از گفتـار گناه آمیز و خوردن مال حرام نهی نمی کننـد؟ چه زشت است عملی که انجام می دادند. [۸] . و نیز فرموده است: کافران بنی اسـرائیل بر زبان داود وعیسـی ابن مریم، لعن و نفرین شدنـد. این به خاطر آن بود که گناه و تجاوز می کردنـد. تا آنجا که فرمود: چه بدکاری انجام می دادند. [۹] .خداوند آنها را بدین خاطر نکوهش کرده که از سـتمکارانی که میـان آنهـا بودنـد، کار زشت و فساد می دیدنـد و آنها را نهی نمی کردنـد؛ زیرا در مال آنان طمع داشـته و از قدرت آنان می ترسیدند با این که خداوند می فرماید: از مردم نترسید و از من بترسید. [۱۰] .سپس عالمان را مورد خطاب قرار داده، می فرماید: شما ای جماعت که معروف به دانش و نامور به خوبی و معروف به خیرخواهی هستید و به وسیله خـدا در دل مردم مهـابتی داریـد؛ شـرافتمند از شـما حسـاب می برد و ناتوان شـما را گرامی می دارد...من می ترسم عـذابی از عـذابهای الهی برشـما فرود آید؛ زیرا شـماها از کرامت خدا به منزلتی رسـیدید که بر دیگران برتری یافته اید. بندگان مؤمن به خـدا، گرامی داشـته نمی شونـد ولی شـما به خاطر خـدا در میان بنـدگان الهی ارجمندیـد. این در حالی است که می بینیـد که پیمانهای خدا شکسته شده و هیچ عکس العمل و هراسی

به خود راه نمی دهیـد. برای یک نقض تعهـد پـدران خویش بی تابی می کنیـد با این که تعهـد رسول خـدا خوار و بی مقـدار شده، کورها و لالها و زمین گیرها در همه شـهرها بی سرپرست مانده و بر آن ها ترحم نمی شود، شما به اندازه مقام و در خور مسوولیت خویش کار نمی کنید و در مقابل کسی که اقدام می کند خضوع نمی کنید. برعکس به سازش و مسامحه با ظالمان خود را آسوده خاطر می دارید با این که خداوند شما را فرمان داده که از کار خلاف باز ایستید و دیگران را نیز نهی کنید؛ اما شمـا غافلیـد. مصـیبت شـما از همه مردم بزرگتر است؛ زیرا در حفـظ مقام علما و دانشـمندان ناتوان شدیـد. کاش کوشـش می کردید. علت این ناتوانی این است که جریان امور و احکام به دست دانشمندان الهی است که امین بر حلال و حرام اویند؛ ولی این مقام از شـما گرفته شـده است. بـدین جهت، که شـما از حق متفرق شدید و درباره روش پیغمبر با وجود دلیل روشن دچار اختلاف شدید. اگر بر اذیت و آزارها شـکیبا بودید و در راه خدا مشـکلات را متحمل می شدید، زمام امور الهی به شـما برمی گشت و از طرف شـما دستور آن صادر می گشت و به سوی شما باز می گشت؛ اما برعکس شما خودتان ستمگران را به جای خویش جـای دادیـد و امور الهی را به آنهـا واگذاشتیـد تـا به شـبهه کارکننـد و به شـهوت ها و میلهای نفسانی خویش حرکت کننـد. علت سـلطه سـتمگران گریز شـما از مرگ و خوش بودنتان به زنـدگی دنیا است که از شـما جـدا خواهـد شد. [۱۱] .اما متاسفانه این فریادها و خروشهای الهی

برجان و قلب های غافل کارگر نیفتاد و دوباره هرکس به اندیشه دنیایی خویش مشغول و کارهای روزمره خویش را استمرار بخشید و چنان شد که بنی امیه احکام الهی را تعطیل کردند؛ نیکمردان تنها مانده میدان را به شهادت رساندند و تاریخ را برای همیشه سوگمند از بین رفتن حق وعدالت و حاکمیت امامت راستین ساختند.

تأکید براستمرار برائت

معاویه به مروان که از کارگزاران حکومتی او بود، نامه نوشت و از او خواست دختر عبدالله بن جعفر را برای یزید خواستگاری کند. عبدالله تصمیم درباره این موضوع را به دائی فرزند خویش امام حسین (ع) واگذار کرد. امام فرمود: از خداوند خواستارم که مورد پسندی از آل محمد را برای دختر عبدالله برگزینند. همگی در مسجد اجتماع کردند. مروان در حضور مردم گفت: امیرمومنان معاویه به من دستور داده که هر قدر از مهر را که پدرش بگوید، قبول کنم و تمامی بدهکاری پدرش را بپردازم. افزون آن که صلح بین دو فامیل نیز برقرار خواهد شد. امام حسین (ع) پس از حمد و ثنای الهی و بیان فضایل اهل بیت (علیهم السلام) پاسخ داد: این که گفتی مهرش هر قدر باشد، معاویه قبول کرده، سوگند به جان خود که در صورت تصمیم، ما بر مهر السنه چیزی اضافه نمی کنیم. و این سخن که بدهکاری پدرش هرچه باشد، پرداخت می کند، هیچ گاه زنان ما بدهکاریهای ما را نپرداخته اند؛ و اما مصالحه و سازش، ما افرادی هستیم که به خاطر خدا با شما دشمنی کردیم و برای دنیا با شما صلح نخواهیم کرد. خویش نسبی نتوانسته است مانع از این کار شود تا چه رسد به ازدواج و خویشی سببی.سپس

حضرت دختر عبدالله را به عقد قاسم ابن محمد بن جعفر درآورد و باغی که خود در مدینه و به نقلی در سرزمین عقیق داشت. به دختر خواهر خویش بخشید. [۱۲] .

پاورقی

[۱] الغدیر، ج ۱۰، ص ۱۶۱ و ۱۶۲.

[۲] نساء، آیه ۵۹.

[۳] همان، آیه ۸۳.

[۴] انفال، آیه ۴۸.

[۵] بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۰۵ و۲۰۶.

[۶] الغدیر، ج ۱۰، ص ۱۶۱ و ۱۶۲ و استفاده از ترجمه الغدیر، ج ۱۹، ص ۲۵۰ و ۲۵۱.

[۷] الغدیر، ج ۱۰، ص ۱۶۱ و ۱۶۲ و استفاده از ترجمه الغدیر، ج ۱۹، ص ۲۵۰ و ۲۵۱.

[۸] مائده، آیه ۶۳.

[۹] همان، آیات ۷۸ و۷۹. [

[۱۰] همان، آیه ۴۷.

[۱۱] تحف العقول، ص ۲۴۰، کلمات امام حسین(ع).

[۱۲] بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۰۷.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آيا كسانى كه مى‌دانند و كسانى كه نمى‌دانند يكسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹